

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۳/۰۱/۰۱

یک سوالی اینجا ممکن است مطرح بشود که بگویند: خب شما می‌گویید مسئولین کشور حساس باشند، چقدر حساس باشند؟ آیا این با آزادی - که از شعارهای انقلاب است و جزو پایه‌های جمهوری اسلامی است - منافاتی ندارد؟ جواب این است که خیر، با آزادی هیچ منافاتی ندارد؛ آزادی غیر از ولنگاری است؛ آزادی غیر از رهاسازی همه‌ی ضابطه‌ها است. آزادی - که نعمت بزرگ الهی است - خودش دارای ضابطه است؛ بدون ضابطه، آزادی معنی ندارد. اگر چنانچه کسانی هستند در کشور که برای تیشه به ریشه‌ی ایمان جوانان زدن دارند تلاش میکنند، نمیشود این را تماشا کرد به‌عنوان اینکه این آزادی است. همچنان که اگر هروئین و بقیه‌ی مواد مسموم‌کننده‌ی بدن و بدبخت‌کننده‌ی خانواده‌ها را کسی بخواهد بین این و آن توزیع کند، نمیشود بی‌تفاوت نشست. اینکه بینیم کسانی با استفاده‌ی از هنر، با استفاده‌ی از بیان، با استفاده‌ی از ابزارهای گوناگون، با استفاده‌ی از پول، راه مردم را بزنند، ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، ما بنشینیم تماشا کنیم و بگویم که آزادی است، این جور آزادی در هیچ جای دنیا نیست! در هیچ جای دنیا، همان کشورهایی که ادعای آزادی میکنند، در آن خطوط قرمز که دارند، بشدت سخت‌گیرند. شما ببینید در کشورهای اروپایی کسی جرئت نمیکند راجع به هولوکاست حرف بزند که معلوم نیست اصل این قضیه واقعیت دارد یا ندارد، یا اگر واقعیت دارد، به چه شکلی بوده؛ اظهار نظر درباره‌ی هولوکاست، تردید درباره‌ی هولوکاست، یکی از بزرگ‌ترین گناهان محسوب میشود، جلویش را میگیرند، طرف را میگیرند، زندانی میکنند، تعقیب قضائی میکنند؛ مدعی آزادی هم هستند. آنچه که برای او خط قرمز است، در مقابل او با چنگ‌و‌دندان می‌ایستند. چطور از ما توقع دارند که خطوط قرمز اعتقادی و انقلابی کشورمان را جوانانمان را ندیده بگیریم؟ اگر یک کسی است که روح استقلال ملی را نشانه می‌رود - الان هستند کسانی که صحبت استقلال که میشود، استقلال را مسخره میکنند، می‌گویند این عقب‌افتادگی است، استقلال چیست - و می‌خواهد وابستگی را تئوریزه کند، استقلال را مسخره کند، دل‌های جوانان را برای مستقل زیستن متزلزل کند، نمیشود در مقابل او بی‌تفاوت ماند؛ باید در مقابل او عکس‌العمل نشان داد. یکی به ضروریات اخلاقی و دینی جامعه اهانت میکند، زبان فارسی را مسخره میکند، خلیفات ایرانی را تحقیر میکند؛ اینها هست؛ اینها وجود دارد الان. کسانی سعی‌شان این است که بزنند توی سر روح عزت ملی جوان ایرانی؛ مکرر خلیفات منفی را نسبت میدهند؛ از اروپایی‌ها یاد بگیرد، از غربی‌ها یاد بگیرد، همدیگر را تحمل میکنند، ما همدیگر را تحمل نمیکنیم! واقع قضیه این است؛ در خیابانهای کشورهای اروپایی و پایتختهای اروپایی - حالا، نه بیست سال قبل و پنجاه سال قبل - یک نفری که اندکی حجابش را مراعات کرده، مورد تهاجم جوانها قرار میگیرد، جلوی چشم مردم میزنند زن محجبه را مجروح میکنند یا میکشند، کسی جرئت نمیکند بگوید چرا! کسی را به‌عنوان اینکه این اهل آن کشور نیست، جلوی چشم مردم آتش میزنند! این تحمل مخالف است؛ این چیزی است که همین تازه اتفاق افتاد؛ چند ماه قبل از این جوانهای الواط یکی از شهرهای یکی از کشورهای اروپایی، یک ایرانی را کتک میزنند، بعد رویش بنزین میریزند، آتشش میزنند، همسایه‌ها هم وامی‌ایستند ربور نگاه میکنند، عکس‌العملی نشان نمیدهند! این تحمل مخالف است؛ آن کسانی که ملت ایران را و ملت ایرانی را و خلیفات ایرانی را تحقیر میکنند؛ آن کسانی که مبانی اسلامی را در ذهنها متزلزل میکنند، آن کسانی که شعارهای اصلی انقلاب را مورد تعرض جدی قرار میدهند، آن کسانی که نهاد خانواده را بی‌ارزش جلوه میدهند و ازدواج را بی‌معنی وانمود میکنند - اینها امروز در جامعه‌ی ما هست؛ کسانی این کارها را دارند میکنند - آن کسانی که لذت‌جویی را یک امر مطلوب و یک ارزش میدانند - لذت؛ «اصاله‌الله» همان سوغات فرهنگ غربی است؛ هرچه موجب لذت بشود؛ خب، یکی با اعتیاد لذت می‌برد، یکی با شهوات جنسی لذت می‌برد، یکی با کتک زدن این و آن لذت می‌برد؛ هرچه مایه‌ی لذت کسی باشد، این را مباح میدانند - کسانی که این حرفها را ترویج میکنند، نمیشود در مقابل اینها بی‌تفاوت ماند. کسانی اباحه‌گری را ترویج میکنند. دستگاهها باید احساس وظیفه کنند. در تخریب فرهنگی، کاری که تخریب‌کنندگان فرهنگ انجام میدهند این است که به‌جای عزم راسخ ملی، تردید را در مردم ترویج میکنند. یک ملت تا عزم راسخ نداشته باشد، نمیتواند به هیچ‌جا برسد؛ سعی میکنند عزم راسخ ملت را در مسائل مهم مربوط به سرنویشت کشور به هم بزنند، در آنها تردید ایجاد کنند؛ جای احساس عزت و اعتماد به نفس ملی، احساس حقارت ملی را به آنها تریق میکنند؛ جای ایمان راسخ، شبهه‌افکنی و بی‌اعتقادی؛ جای کار و تلاش و همت بلند، لذت‌جویی و شهوت‌رانی و از این قبیل؛ این کارها کارهایی است که انجام میگیرد. دستگاه‌های رسمی فرهنگی کشور بایستی وظایف خودشان را در مقابل اینها انجام بدهند. البته بعضی از وظایف، وظایف ایجابی است، بعضی از وظایف هم وظایف دفاعی است؛ هر دوی اینها باید انجام بگیرد؛ هم وظایف ایجابی، هم وظایف دفاعی. دستگاههای تبلیغاتی کشور ما - چه آنهایی که مستقیماً مربوط به دولتند، چه آنهایی که مستقیماً مربوط به دولت نیستند - از هوشی‌گری رسانه‌های بیگانه یا رسانه‌هایی که زبان بیگانه را در کام خودشان دارند، نباید بهراسند، رفتارشان را با آنها تنظیم نباید بکنند؛ این مربوط به دستگاه‌های رسمی فرهنگی.

بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۵/۰۲/۱۶

فرهنگ، در بلندمدت، از اقتصاد خیلی مهم‌تر است؛ اقتصاد مسئله‌ی فوری و اولویت کنونی ما است، [اما] مسئله‌ی فرهنگ یک مسئله‌ی مستمری است و بسیار مهم است؛ حتی در قضیه‌ی اقتصاد هم مهم است. برادران عزیز، خواهران عزیز! در مسئله‌ی فرهنگ، بنده احساس یک ولنگاری میکنم؛ در دستگاه‌های فرهنگی - اعم از دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی - یک نوع ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ وجود دارد؛ چه در تولید کالای فرهنگی مفید که کوتاهی میکنیم، چه در جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر که کوتاهی میکنیم. اهمیت کالای فرهنگی از کالای مصرفی جسمانی کمتر نیست، بیشتر است. فرض کنید مرتب تکرار بکنند که مثلاً فلان‌جور بفق مضر است، نخورید؛ حالا مگر ضررش چقدر است، چه‌جور ضرری است، چه میزان ضرر دارد، برای چند درصد از مردم ضرر دارد؟ این را دائماً می‌گویند، اما ضرر فلان‌جور فیلم یا فلان‌جور کتاب یا فلان‌جور بازی رایانه‌ای یا امثال اینها را کسی جرئت نمیکند بگوید که بنیاداً متهم بشوند به اینکه جلوی آزادی اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات را گرفته‌اند. آنهایی که اساس این حرفها هستند، خودشان بیشتر از ما در این مسائل سخت‌گیری میکنند؛ این را باور کنید. حالا آزادترین مناطق دنیا از لحاظ اطلاعات، مثلاً فرض کنید دولتهای غربی‌اند، از جمله آمریکا؛ از خبرهای دقیق و روشنی که از آمریکا میرسد در کنترل اطلاعات افراد و انگشت گذاشتن روی آن چیزهایی که دستگاه روی آنها حساس است، انسان واقعا تعجب میکند؛ ما یک‌دهم آنها کنترل اطلاعاتی نداریم و نمیکیم. بمجرد اینکه [در اینجا] یک فیلمی را ممنوع کردند یا فرض کنید که یک جریان رایانه‌ای را مثلاً محدود کردند یا ممنوع کردند، فوراً آنها سروصدا بلند میکنند، ما هم باورمان می‌آید؛ ما هم باور میکنیم که واقعا کار خطایی کرده‌ایم. نه آقا، باید مراقبت کرد! وظیفه‌ی ما تولید کالای فرهنگی مفید و جلوگیری از کالای فرهنگی مضر است. بنده در این زمینه احساس یک ولنگاری‌ای میکنم؛ باید این را شماها در نظر داشته باشید و اهمیت بدهید.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۵/۰۴/۰۲

سرفصل پنجم، مسئله‌ی فرهنگ است. اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی، شامل همه‌ی اینها است؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعا مسئولیت دارند در این زمینه. فرض بفرمایید حالا فیلم، تئاتر، سینما، خب اگر مراقبت نباشد [چه میشود]؛ بنده طرفدار جزم‌اندیشی و فشار و اختناق در این زمینه‌ها نیستم، میدانید، من اعتقاد راسخ دارم به آزاداندیشی؛ منتها آزاداندیشی غیر از ولنگاری است، غیر از اجازه دادن به دشمن است که از دالان آزاداندیشی و آزادعملی بخواهد ضربه بزند به [کشور]. امروز نیروهای مومن و جوان انقلابی‌مان، بیشترین کارهای خوب کشور را دارند انجام میدهند. همین دانش‌بنیان‌ها، همین کارهای گوناگون، همین فعالیتها، اینها بیشتر به‌وسیله‌ی جوانهای مومن و مانند اینها انجام میگیرد. حالا فرض کنیم یک تئاتری یا یک فیلمی تولید بشود که تیشه به ریشه‌ی ایمان این جوانها بزند؛ این خوب است؛ این چیزی نیست که انسان از آن احساس خطر بکند؛ دو مقوله است، مقوله‌ی آفتد و بدآفتد؛ ما در زمینه‌ی فرهنگ، هم در مورد آفتد ضعیف عمل میکنیم، هم در مورد بدآفتد ضعیف عمل میکنیم؛ به نظر من بایست در این زمینه‌ها کار کرد. فرهنگ با جوهر دین، با جوهر انقلاب، اساس کارهای ما است که بایستی واقعا به آن بپردازیم. محصولات فرهنگی، کتاب، سینما، تئاتر، شعر، مطبوعات و نیز شخصیت‌های فرهنگی؛ فرض کنید که یک شخصیت فرهنگی هست که همه‌ی عمر

خودش را در راه انقلاب گذاشته، یک شخصیت فرهنگی هم هست که هر وقت توانسته به انقلاب نیش زده؛ شما رفتارشان با این دو نفر چه جور است؟ شما که مسئول دولتی هستید یا مسئول فرهنگی هستید یا مسئول وزارت مثلا ارشاد هستید یا وزارت علوم هستید یا سازمان تبلیغات اسلامی هستید - فقط مخصوص کارهای دولتی نیست، دیگران هم همین‌جور هستند- یا صداوسیما، رفتار شما و برخورد شما با این دو آدم چه جور است؟ این خیلی مهم است. آن کسی که عمرش را در خدمت انقلاب و در خدمت دین بوده، آیا این [طور] است که مورد تکریم و ترجیح شما باشد، نسبت به آن کسی که در همه‌ی عمرش حالا یک قدم [هم] در راه دین و انقلاب که برنداشته، گاهی اوقات ضربه هم زده، نیش هم زده؟ خب، اینها مهم است، اینها نکاتی است که باید به آنها توجه داشت. ما اگر به این نکات توجه نکنیم و بر اثر جوزدگی برویم سراغ مثلا فرض کنید که فلان کسی که از بن دندان با انقلاب اسلامی و با حکومت اسلامی و با نظام اسلامی مخالف است، خب این خلاف یک حرکت فرهنگی عاقلانه است. بنابراین من، هم معتقدم روحیه‌ی آزاداندیشی وجود داشته باشد، [هم] برنامه‌ریزی عادلانه باید وجود داشته باشد. نه بی‌برنامه‌گی و ولنگاری فرهنگی، نه جزم‌اندیشی و تاجر و استبداد فرهنگی؛ هیچ کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم. راه صحیح این است که برنامه‌ریزی کنیم، هدایت کنیم، کمک کنیم به رویش‌های خوب، و جلوی ضربه‌ها و حملات و مانند اینها را بگیریم؛ یعنی هم آفند، هم پدآفند.

بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام / ۱۳۹۶/۱۲/۱۷

فرهنگ ما، فرهنگ الهی است؛ این فرهنگ، استقلال ما را تضمین و تامین میکند، آزادی ما را هم تامین میکند. آن کسانی که به نام آزادی، ولنگاری را در جامعه ترویج میکنند، آزاد نیستند، اینها اسیر دست‌بسته‌ی فرهنگ غربی‌اند؛ فرهنگ غربی است که دارد اینها را هدایت میکند؛ این چه آزادی‌ای است؟ آزادی این است که شما نیت خودتان، ایمان خودتان، فکر خودتان، قرآن خودتان، الگوی اسلامی خودتان را داشته باشید و آن را دنبال نکنید؛ این، آزادی است، این، عظمت است، این، حریت است؛ این باید تامین بشود.

